

با قصایدی غزل گونه

برای تحفه نظارگان بیارایم

به حله‌های عبارت عروس معنی را
 ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی، سخنسرای پایان
 قرن ششم، یکی از قصیده‌سرایان و غزلگویان بزرگ زبان فارسی
 است. غزلیات او پرشور و دل‌انگیز است و در آن به ایراد معانی لطیف
 و الفاظ نرم و هموار پرداخته شده است. ظهیر در غزل از متقدمان خود
 پیشی گرفت، تا به جایی که او را واسطه میان انوری و سعدی در
 تکامل غزل فارسی می‌دانند.

با توجه به اهمیتی که این شاعر در تکامل غزل فارسی دارد و به
 بهانه انتشار **دیوان ظهیرالدین فاریابی** با تصحیح مرحوم دکتر
 امیرحسین یزدگردی و به اهتمام دکتر اصغر دادبه، کتاب **ماه ادبیات و**
فلسفه نشست نقد ادبی خود را به بررسی این اثر، اختصاص داد.

در ابتدای این نشست، دکتر اصغر دادبه در باب شخصیت علمی
 و فرهنگی دکتر یزدگردی و آثار برجای مانده از او گفت: دکتر
 یزدگردی اگرچه از جهتی گمنام ماند، اما وی در نزد اهل فضل
 شناخته شده است و از محققان تراز اول شمرده می‌شود. کسانی که با
 او حشر و نشر داشتند، به دقت و وسواس علمی او معترف هستند. او
 در مدت حیات خود سه مقاله نوشت: نخست مقاله‌ای درباره گلشن
 ابراهیمی، معاون دانشکده الهیات، دوم مقاله‌ای با عنوان «ساز عرفانی
 ذوالنون» و سوم مقاله‌ای در پاسخ به نقد مرحوم قاضی طباطبایی که
 بعدها به **نفته‌المصدر** منضم شد. **دیوان ظهیرالدین فاریابی، حواصل**
و بو تیمار و نفته‌المصدر آثاری است که از مرحوم یزدگردی منتشر
 شده است.

دکتر دادبه درباره تصحیح **دیوان ظهیرالدین فاریابی** اظهار داشت:
 تصحیح حاضر، تصحیحی است انتقادی از دیوان ظهیر فاریابی
 براساس نسخ کهن و معتبر، با شیوه‌ای دقیق، تحقیقی است
 ژرف‌نگرانه و عالمانه در زندگی و شعر و اندیشه این شاعر. براساس
 این تصحیح و بر بنیاد این تحقیق، ظهیر دیگر سراینده غزل‌های بسیار از
 نوع «خراج چین سر زلفت ز مشک ناب گرفت» نیست و راه انوری
 را به سوی سعدی، نه با اینگونه غزل‌ها. چنانکه مشهور است. بلکه به
 مدد قصاید و قطعه‌های خویش هموار می‌کند، با قطعه‌هایی به روانی
 آب و با قصایدی غزل گونه و با زبان و بیانی که خواننده را از سویی
 به یاد سعدی می‌اندازد و از سویی حافظ را پیش چشم او می‌آورد. با
 چنین بضاعتی است که شاعر، رهرو راهی می‌گردد که با انوری آغاز
 می‌شود و با سعدی به کمال می‌رسد.

وی افزود: این اثر درحقیقت رساله‌دکتری استاد یزدگردی است

که در سال ۱۳۳۶ نگاشته شده است و به جرأت می‌توان گفت از
 جهت متن مستند به نسخ معتبر است و هیچ اشکالی ندارد. اما
 متأسفانه ما انتظار داریم، حواشی **دیوان ظهیرالدین فاریابی** همانند
نفته‌المصدر باشد. در صورتی که **نفته‌المصدر** نثر متکلف و
 مصنوعی دارد که شرح آن نیازمند تعلیقات فراوان است، اما اشعار
 ظهیر، بسیار روان و شیوا هستند. از طرفی این اثر در زمانی تصحیح
 شده است که سنت معنا کردن شعر چندان متداول نبود و بیشتر به
 معنای لغات و تعبیر پرداخته می‌شد تا معنای ابیات.

در ادامه نشست دکتر فتح الله مجتبیایی به عنوان همکار و دوست
 استاد یزدگردی، به شرح خاطراتی از او پرداخت و پس از آن در باب
 وسواس علمی او اظهار داشت: دکتر یزدگردی از جمله افرادی بود که
 مسائل علمی، جدی‌ترین مسئله زندگی‌اش محسوب می‌شد.
 چنانچه کلمه‌ای نادرست تلفظ و یا معنا می‌شد، تحمل نمی‌کرد و به
 اصلاح آن همت می‌گماشت. به همین دلیل در تمام طول عمرش،
 آثار زیادی از او باقی نماند، اما آنچه باقی مانده است، حقیقتاً باقی
 ماندنی است. وسواس علمی او سبب می‌شد که نگذارد تا حدی که
 وجود ایشان مفید بود، دست به تألیف بزند. دکتر یزدگردی از حیث
 اطلاعات در زمینه زبان و ادبیات فارسی، کم نظیر بود و از لحاظ
 اخلاقی هم کوچک‌ترین خرده‌ای بر او وارد نبود. او شاگردانی از
 خود برجای گذاشت که امروز از مفاخر فرهنگی ما محسوب
 می‌شوند.

دکتر مهدی نوریان با اشاره به این مطلب که کار دکتر یزدگردی،
 کاری تخصصی است و قضاوت درباره آن هم باید برعهده افرادی
 باشد که در سطوح بالای تخصص قرار دارند، درباره اهمیت تصحیح
 متون گفت: دلیل اینکه دکتر یزدگردی تصحیح **دیوان ظهیر فاریابی** را
 به عنوان رساله دکتری خود انتخاب کرد، اهمیتی بود که وی برای
 تصحیح متن قائل بود. متأسفانه، هنوز در میان جامعه کتابخوان ما
 اهمیت تصحیح انتقادی متون، آنطور که باید و شاید روشن نشده
 است. اگر کمی در زندگی بزرگانی چون قزوینی، فروزانفر، مینوی و
 همایی تأمل کنیم، درمی‌یابیم که قسمت اعظم عمر آنها صرف
 تصحیح متون شده است. متون ادبی، به خصوص متونی که تا حدود
 قرن هفتم تألیف شده‌اند، میراث و سرمایه فرهنگی ما محسوب
 می‌شوند. هر نسخه‌ای از این متون که به دست می‌آید، باید
 موردبررسی دقیق علمی قرار بگیرد، چون اساس ادب فارسی است.
 تا وقتی متن منقحی در دست نداشته باشیم، هرگونه قضاوتی درباره
 متون بی‌اساس است.



برای مثال بعضی از مباحثی که در ذیل نقد شعر ظهیر آمده باید در ذیل شعر او قرار می‌گرفت و برعکس. همچنین بهتر بود بخشی که دکتر یزدگردی به بحث درباره‌ی قالبهای شعری ظهیر اختصاص داده‌اند، در ذیل سبک شعر یا نقد شعر او قرار می‌گرفت.

مسعود تاکی با اشاره به برخی از اشکالات و اغلاطی که در این اثر وجود دارد، درباره‌ی این کتاب گفت: این اثر، جای جدیت بیشتری داشت. بهتر بود نوشته‌های دکتر یزدگردی بی‌هیچ شرح و تفسیری در حد همان دست‌نوشته‌های ایشان در کتاب می‌آمد، اما حال که دکتر دادبه به تصحیح برخی قسمتها اهتمام کردند، شایسته‌تر بود که کار خود را تکمیل می‌کردند و به شرح دیگر قسمتها نیز می‌پرداختند.

دکتر محمد روشن با اشاره به اغلاط تایپی کتاب درباب این اثر اظهار داشت: اگرچه این اثر در سال ۳۶ به رشته‌ی تحریر درآمده، اما با وجود این هنوز هم در سال ۸۱ واجد جذایبها و شایستگیهای خاص خود است. انتخاب ظهیر برای دکتر یزدگردی، انتخاب برترین بود. شعر ظهیر جدای از شگفتیهایی که در بخش غزلیات دارد، شعر بلندقدر و رسایی است.

در پایان این نشست دکتر دادبه درباره‌ی عدم دخالت در دست‌نوشته‌های دکتر یزدگردی اظهار داشت: من تعمداً سعی کردم در این کتاب دخالتی نکنم و به متن اصلی نویسنده، وفادار باشم. تنها در یک مورد توضیحی اضافه کردم: در سنت فلسفه‌ی اسلامی، افلاطون را تناسخی نمی‌دانیم. در حالی که واقعاً اینگونه است و ظهیر به صراحت به این مطلب اشاره می‌کند. دکتر یزدگردی براساس فلسفه‌ی اسلامی در این مورد توضیحی ارائه کرده‌اند و من تنها در یک سطر اشاره کردم که این مسئله قابل توجه است که در روزگار فلسفه‌ی سنی، ظهیر آگاهی کافی در این مورد دارد. در بقیه‌ی موارد اگر مطلبی افزوده شده بنابر ضرورت بود. یعنی یا در متن کلمه یا عبارتی جا افتاده و یا اینکه مفهوم ناقص و ابتر بوده و نیاز به توضیح داشته است. من با عدم دخالت خود در دست‌نوشته‌های دکتر یزدگردی، سعی کردم تا به اهمیت کار او در زمان خودش بپردازم.

وی در ادامه سخنان خود گفت: نباید فراموش کرد تصحیح انتقادی یک اثر، به مراتب دشوارتر از تألیف آن اثر است. مؤلف می‌داند که چه می‌خواهد بگوید، ولی مصحح باید به اقتضائات زمانی آن شاعر یا نویسنده توجه کند. او باید به دوران زندگی مؤلف بازگردد و علاوه بر این به سبک، فکر و زبان او تسلط کافی داشته باشد تا بتواند از مجموعه‌ی نسخی که گاه بسیار ناخوانا هستند، وجه صحیح را به دست آورد و متن صحیحی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

دکتر نوریان در باب تصحیح دیوان ظهیرالدین فاریابی اظهار داشت: این کتاب با نهایت دقت تصحیح شده و دکتر یزدگردی سعی کرده تا جایی که امکان داشت، قدیم‌ترین نسخ موجود در جهان را به دست آورد و آنها را با دقت مقابله کند. او با احاطه‌ای که بر ادب فارسی داشت، توانست متن صحیحی از دیوان فاریابی به دست دهد. این دیوان از شعرهایی که منسوب به ظهیرالدین فاریابی است، تهی است. هرچند ممکن است بعدها نسخه‌هایی پیدا شود که شعرهای بیشتری از ظهیر به دست دهد، ولی در حال حاضر محققان، می‌توانند براساس این دیوان قضاوت درستی درباره‌ی اشعار فاریابی داشته باشند.

وی درباره‌ی اهمیت ظهیر فاریابی در میان شعرای کلاسیک گفت: شعرای بزرگ ما مجموعه‌ای هستند که مانند حلقه‌ی زنجیر به هم پیوسته‌اند اگر بخواهیم اشعار حافظ، مولانا و سعدی را بفهمیم باید بر اشعار رودکی، فرخی، عنصری، منوچهری، ناصر خسرو و... تأمل کنیم. ظهیرالدین فاریابی یکی از حلقه‌های این زنجیر است که در جایگاه خود بسیار حائز اهمیت است. او شاعر تأثیرگذاری بوده است که ردپای وزن و قافیة اشعارش در دیوان شعرای بعد از او یافت می‌شود.

دکتر هرمز رحیمیان در باب این اثر اظهار داشت: دکتر دادبه در تدوین این اثر به دست‌نوشته‌های دکتر یزدگردی وفادار بودند و حتی در مواردی که افزودن مطلبی لازم بود، با قرار دادن آن مطلب در درون قلاب، آن را از متن دکتر یزدگردی متمایز می‌کردند. با این حال لازم بود در برخی موارد تغییراتی در دست‌نوشته‌ها ایجاد می‌شد.